



صدا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران
معاونت فضای مجازی
اتاق وضعیت

رصد جامع فضای مجازی واکنش افکار عمومی به فشار اقتصادی آمریکا علیه ایران

۱۰ تا ۱۸ مهرماه ۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزاره‌های اصلی

جریان معاند و برانداز با برجسته‌سازی توالی محاصره دریایی، هوایی و زمینی، تلاش می‌کند روایت «فروپاشی تدریجی و نزدیکی سقوط» را به عنوان نتیجه قطعی فشار راهبردی آمریکا تثبیت کند. شگرد این روایت، زنجیره‌سازی مراحل فشار (محاصره دریایی، سپس هوایی، سپس زمینی) به مثابه گام‌های یک پروژه محاصره کامل و ناگزیر است تا ناتوانی در شکستن هر مرحله، به عنوان دلیل عقب‌نشینی و انفعال بازنمایی شده و هرگونه تدبیر یا مقاومت، صرفاً «عقب‌افتادگی در برابر حلقه بعدی» معنا شود؛ هدف نهایی، القای پایان‌یافتگی راهبردهای مقابله و نزدیک‌سازی افکار عمومی به پذیرش تغییر وضعیت است.

۱

جریان منتقد داخلی و اصولگرایان با برجسته‌سازی «نه جنگ نه صلح» و بی‌عملی در برابر محاصره، تلاش می‌کند مسئولیت وضعیت فعلی را متوجه دولت و دیپلماسی کرده و مطالبه اقدام نظامی یا ابتکار عمل راهبردی را به گفتمان غالب تبدیل کند. شگرد این روایت، اتکا به عقب‌نشینی‌های زنجیره‌ای (از محاصره دریایی تا هوایی و اکنون زمینی) و مقایسه با تهدیدهای اعلام شده اما اجرانشده است تا انفعال در برابر محاصره، نه به عنوان خویشتن‌داری، بلکه به عنوان «دعوت‌نامه برای فشار بعدی» بازخوانی شود؛ هدف این روایت، انتقال مسئولیت شکست راهبرد مقابله از میدان به میز مذاکره و نهادهای سیاسی است.

۲

جریان همسو با گفتمان مقاومت با برجسته‌سازی محاصره هوایی متقابل انصارالله یمن علیه عربستان، تلاش می‌کند معادله فشار را از «محاصره ایران» به «محاصره متقابل منطقه‌ای» تغییر داده و ابتکار عمل را به محور مقاومت بازگرداند. شگرد این روایت، پیوند دادن دو جبهه یمن-عربستان و ایران-آمریکا در یک زنجیره واحد از فشار و ضدفشار است تا نشان داده شود محاصره دریایی و هوایی، نه ابزار یک‌طرفه آمریکا، بلکه معادله‌ای دوسویه است که در آن متحدان واشنگتن نیز هزینه می‌پردازند؛ هدف نهایی، تقویت روایت «توان بازدارندگی محور مقاومت» و بی‌اعتبار کردن تصویر «محاصره یک‌طرفه ایران» است.

۳

جریان اقتصادی و معاند با پیوند زدن محاصره به معیشت روزمره (دلار، پرواز، خودرو، راه‌آهن، دارو و کالاهای اساسی)، تلاش می‌کند محاصره را از یک مسئله راهبردی-امنیتی به یک بحران مستقیم معیشتی و مشروعیت‌سوز تبدیل کند. شگرد این روایت، اتکا به داده‌های قابل لمس (افزایش قیمت دلار، چهاربرابری بلیت پرواز، گرانی خودرو و کالا، هزینه حمل‌کانتینر و صف کامیون‌ها در مرزها) است تا محاصره، نه به عنوان یک فشار خارجی بر حاکمیت، بلکه به عنوان فشار بر سفره خانوار و عامل اصلی تورم و کمبود بازنمایی شود؛ هدف نهایی، جابه‌جایی کانون نارضایتی از سطح راهبردی به سطح معیشتی و ایجاد شکاف میان مردم و حکومت بر سر هزینه‌های محاصره است.

۴

”شبکه

مسائل

برجسته‌سازی پیوند
محاصره با معیشت
مردم

شکل‌گیری موج تحلیل‌ها
و گمانه‌زنی‌ها درباره آینده
محاصره اقتصادی و جنگ

بازنمایی محاصره زمینی
به عنوان فشار راهبردی
آمریکا علیه ایران

بهره‌برداری رسانه‌های معاند
از توالی محاصره دریایی، هوایی
و زمینی برای القای فروپاشی
اقتصادی و نزدیکی سقوط

بازنمایی محاصره هوایی
متقابل انصارالله یمن علیه
عربستان و پیوند آن با معادله
منطقه‌ای فشار بر ایران

واکنش‌های انتقادی به
انفعال نهادهای مسئول در
برابر محاصره آمریکا و احتمال
محاصره زمینی

”کلان روایت‌ها

اطلاع‌رسانی پیرامون **تکمیل حلقه محاصره راهبردی آمریکا** علیه ایران از دریا و آسمان به زمین

جریان انتشار روایت:
اصلاح طلب. اصولگرا. روزمره‌نویس

بهره‌برداری از محاصره سه‌لایه برای **القای فروپاشی اقتصادی** و نزدیکی سقوط حکومت

جریان انتشار روایت:
معاندین

نقد انفعال و بی‌عملی نهادهای مسئول در برابر توالی محاصره دریایی، هوایی و زمینی و هشدار درباره «نه جنگ نه صلح»

جریان انتشار روایت:
اصلاح طلب. اصولگرا. روزمره‌نویس

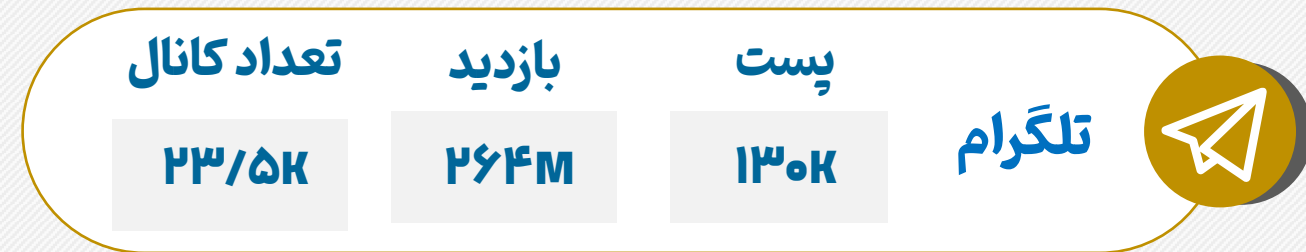
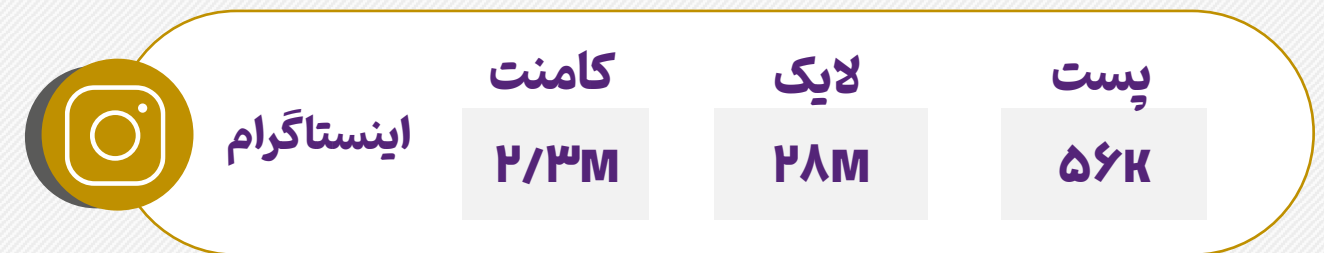
ضریب‌دهی به پیوند محاصره با معیشت مردم؛ از دلار و پرواز تا خودرو و کالاهای اساسی به عنوان فشار مستقیم بر سفره خانوار

جریان انتشار روایت:
اصلاح طلبان. روزمره‌نویس

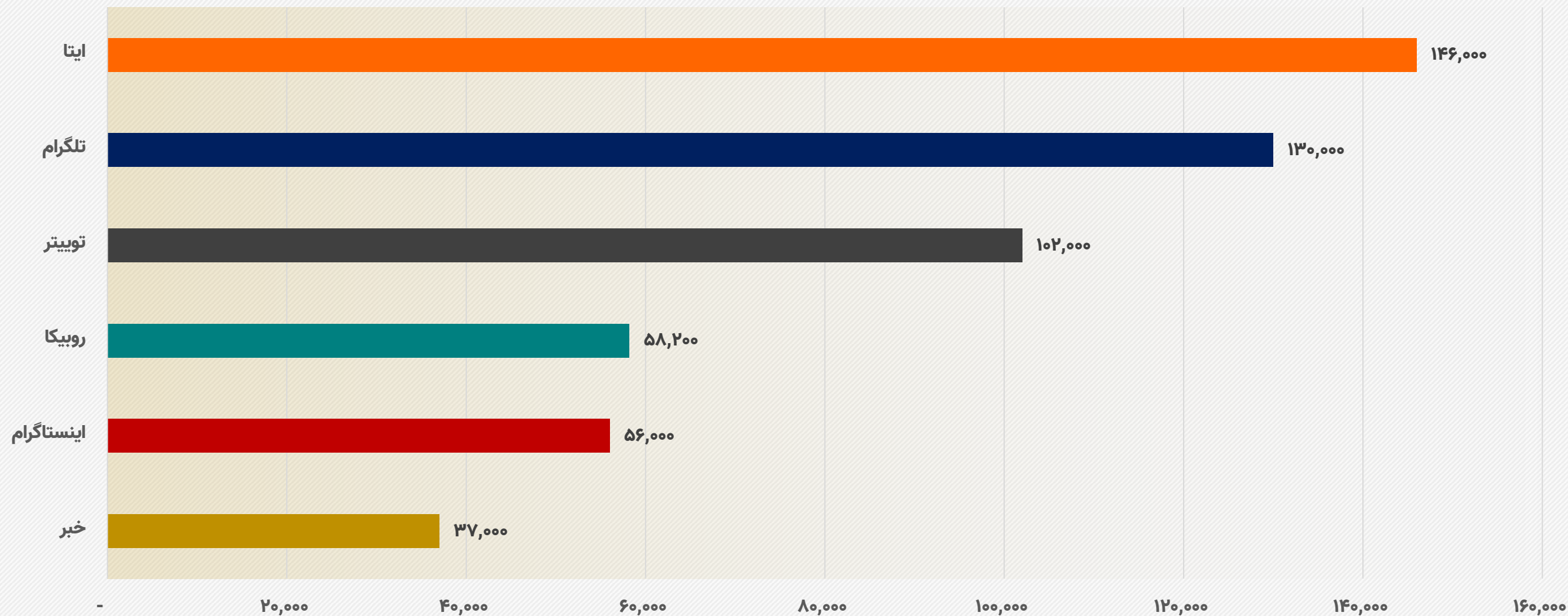
تحلیل داده‌های فضای مجازی



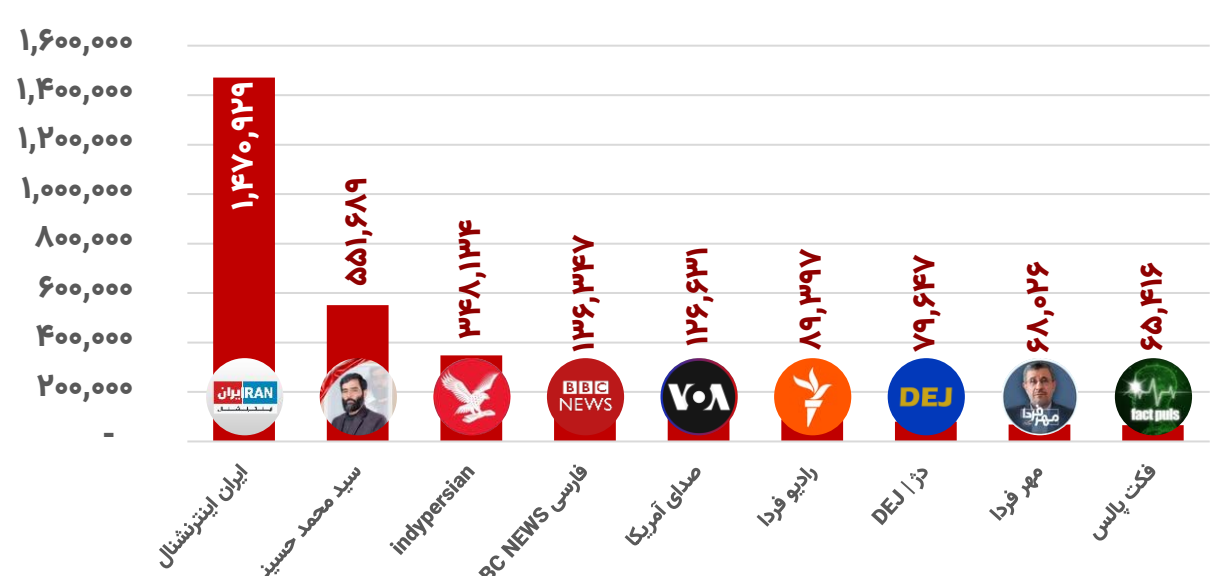
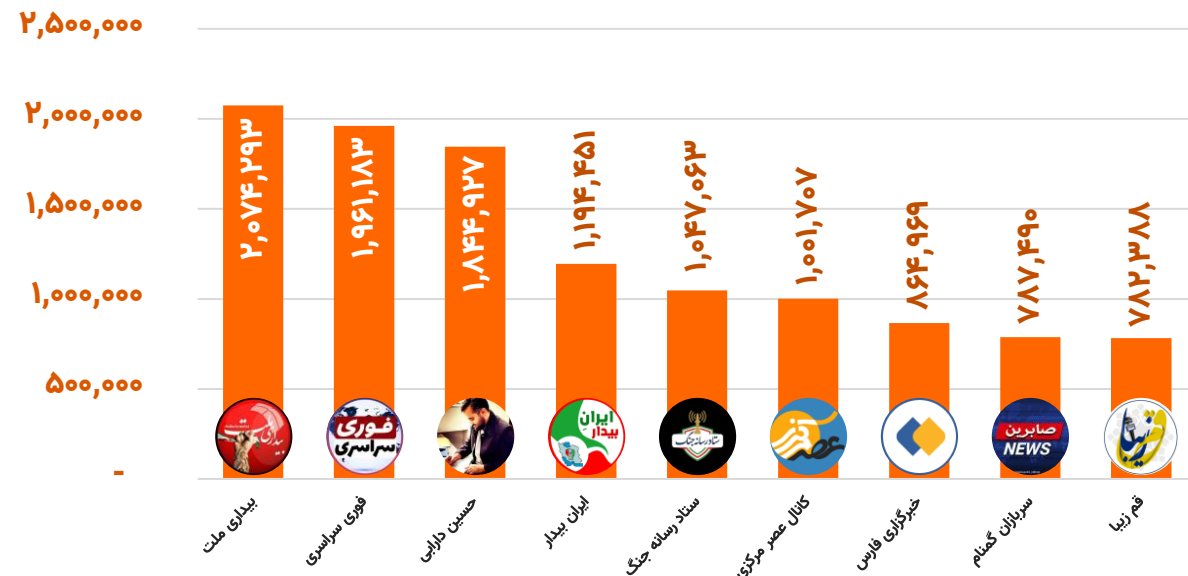
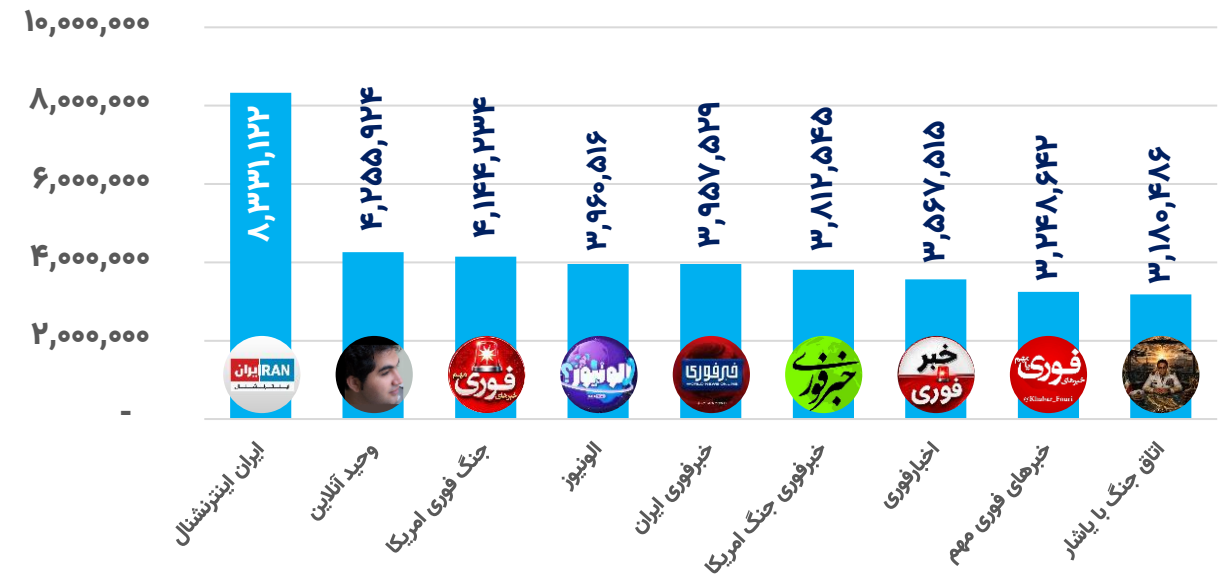
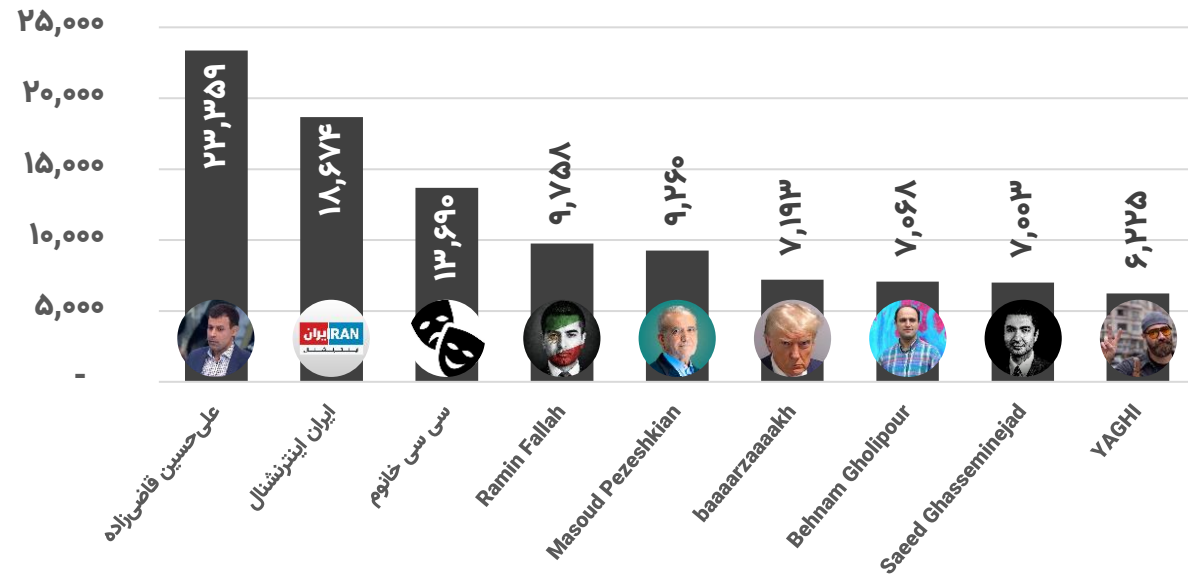
داده‌های فضای مجازی



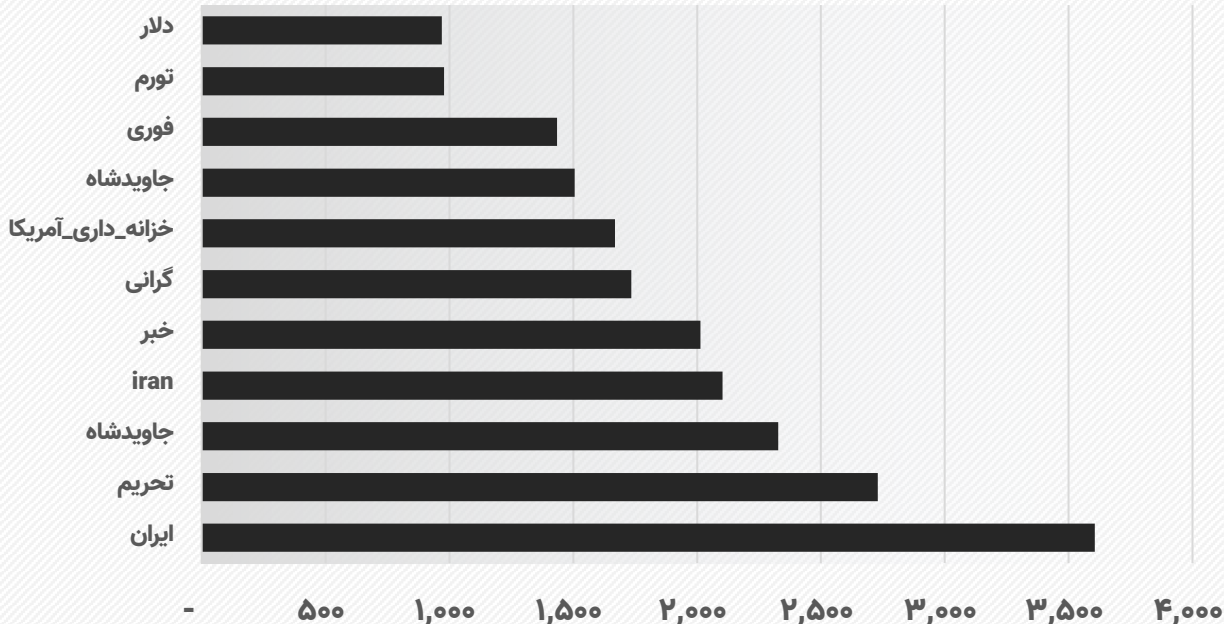
مقایسه میزان تولید محتوا بستریهای فضای مجازی



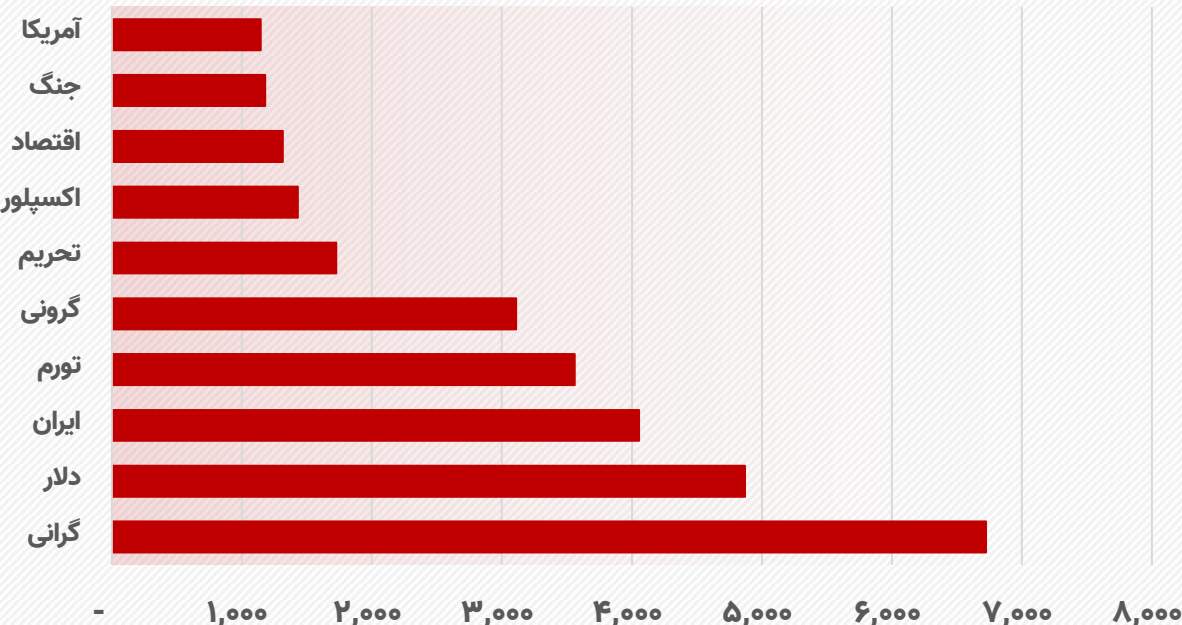
کاربران برتر بسترهای فضای مجازی (براساس بازدید و لایک)



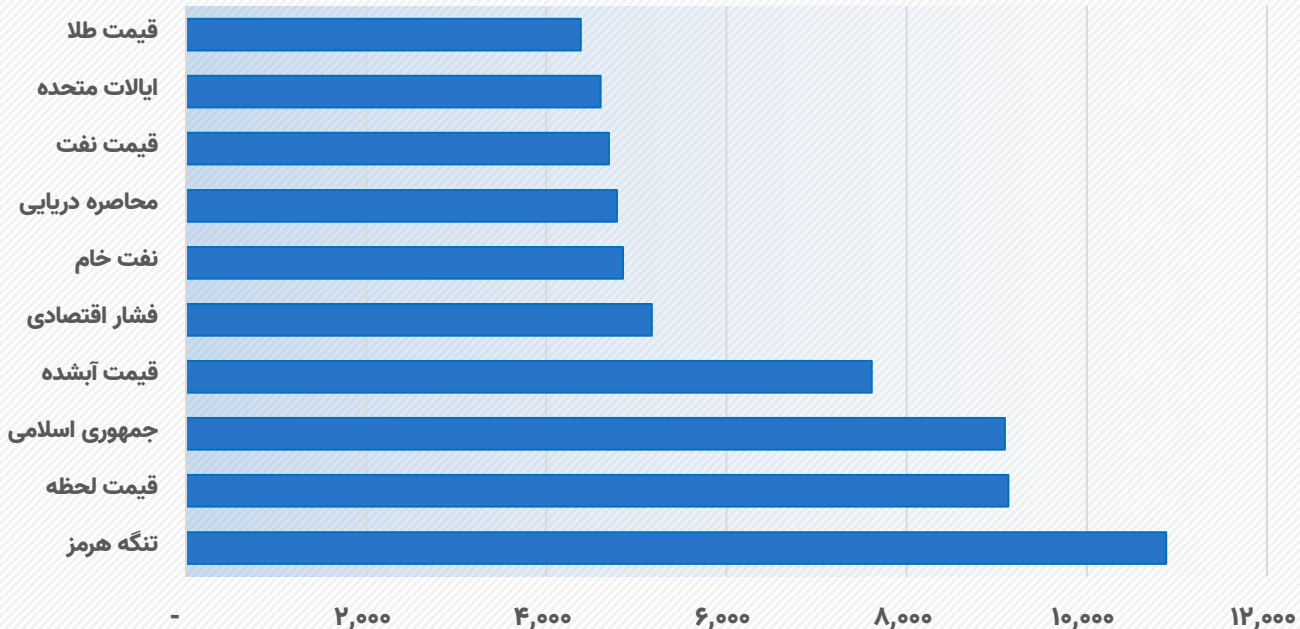
هشتگ های برتر توییتر



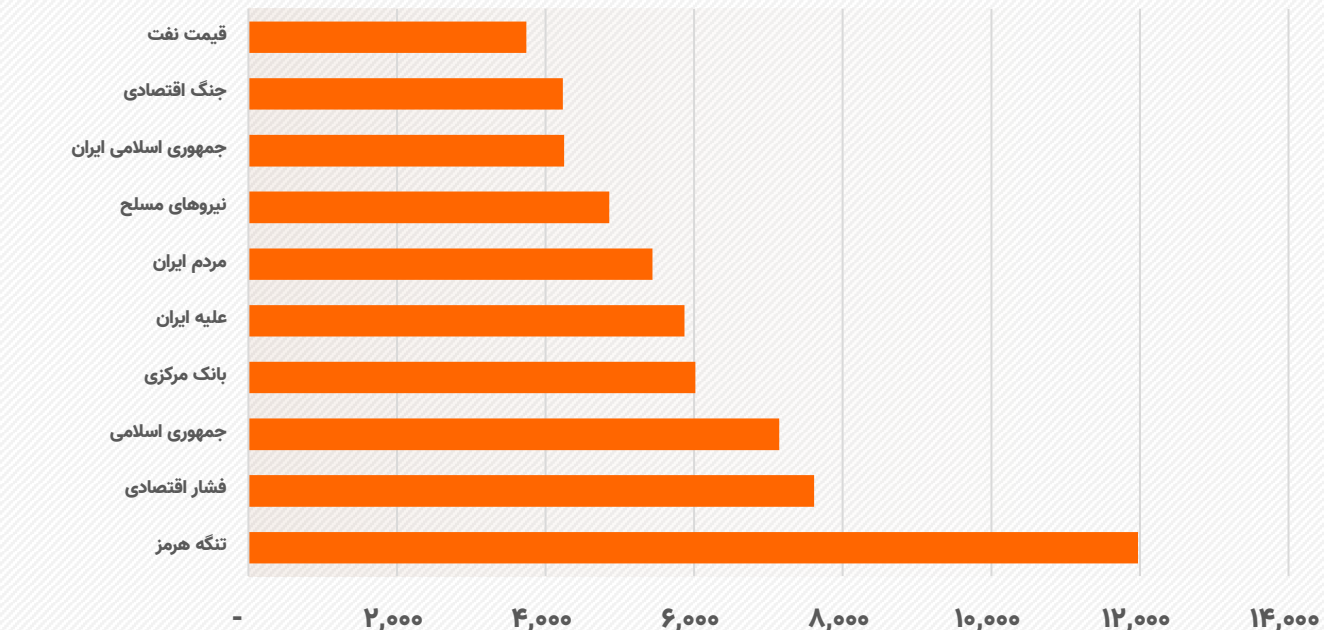
هشتگ های برتر اینستاگرام



ابرواژه برتر تلگرام



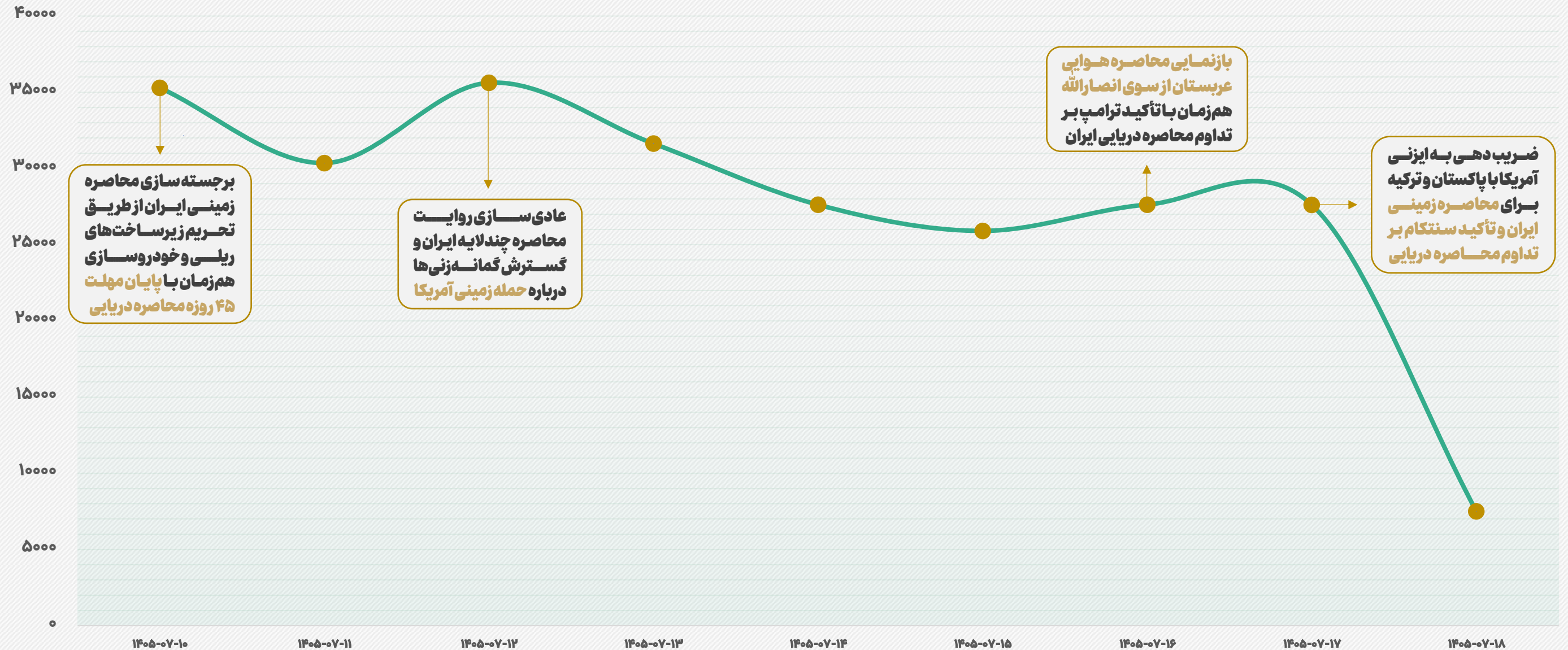
ابرواژه برتر ایتا



بررسی روند انتشار محتوا

بخش دوم

نمودار مقایسه نوسان روند انتشار محتوا در فضای مجازی



دهم مهرماه، موج اصلی محتوایی حول تحریم زیرساخت‌های ریلی و شرکت‌های خودروسازی ایران از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا و بازنمایی آن به عنوان مقدمه‌ای برای آغاز محاصره زمینی شکل گرفت. تحریم مجموعه‌ای از شرکت‌ها، از جمله ایران خودرو، سایپا، پارس خودرو، زامیاد، هیپکو و رجا، در کانال‌های خبری، اقتصادی و معارض با تیترهایی نظیر «آمریکا زیرساخت‌سازی محاصره زمینی را آغاز کرده» و «محاصره زمینی هم استارت خورد» بازتاب گسترده‌ای یافت. در این روایت‌ها، محدودسازی شبکه ریلی و صنعت خودروسازی نه به عنوان تحریم‌هایی موردی، بلکه به مثابه تلاشی برای انسداد شریان‌های تجارت زمینی ایران پس از محاصره دریایی و هوایی بازنمایی شد. هم‌زمان، پایان مهلت ۴۵ روزه شورای عالی امنیت ملی برای رفع محاصره دریایی و تهدید محسن رضایی به شکستن نظامی آن، به یکی دیگر از محورهای پرتکرار تبدیل شد. اظهارات پزشکیان درباره ضرورت گسترش تجارت زمینی نیز از سوی منتقدان به عنوان نشانه ضعف در برابر فشار خارجی و زمینه‌سازی برای محاصره زمینی تفسیر شد. در همین راستا، فؤاد ایزدی با اشاره به توالی تحولات پس از مذاکرات اسلام‌آباد و نیویورک، این روند را نشانه فقدان توافق و تداوم تلاش‌ها برای براندازی حکومت ایران دانست. در مجموع، این قله را می‌توان نقطه ورود جدی گزاره محاصره زمینی به گفتمان رسانه‌ای دانست؛ جایی که تحریم‌های ریلی و خودرویی در چارچوب سناریوی محاصره چندلایه ایران معناگذاری شدند.

قله دوازدهم مهر ۱۴۰۵

دوازدهم مهرماه، موج محتوایی از تمرکز بر تحریم‌های زیرساختی فراتر رفت و به سمت عادی‌سازی وضعیت محاصره و طرح سناریوهای تشدید فشار نظامی و اقتصادی حرکت کرد. در این روز، کلیدواژه‌هایی نظیر محاصره زمینی، حمله زمینی، قحطی گسترده و جنگ بزرگ در کنار تحلیل‌های اقتصادی و امنیتی بازتاب گسترده‌ای یافت. همچنین گفت‌وگوها و برنامه‌های تحلیلی با حضور مهدی مطهرنیا و محمدرضا معینی، با محوریت «از محاصره زمینی تا حمله زمینی آمریکا»، در کانال‌های سیاسی و تحلیلی بازنشر شد و احتمال حرکت واشنگتن به سمت تکمیل محاصره زمینی یا اجرای عملیات زمینی علیه ایران را به موضوع بحث رسانه‌ای تبدیل کرد. به موازات این روند، پیوند دادن محاصره به فشارهای معیشتی و افزایش هزینه‌های زندگی در کانون توجه قرار گرفت. افزایش قیمت دلار به محدوده ۲۶۵ تا ۲۷۰ هزار تومان، رشد چهاربرابری بلیت پرواز تهران-نجف پس از محاصره هوایی، افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو و محدودیت استفاده کشتی‌های ایرانی از بنادر امارات، از جمله سوژه‌هایی بودند که در چارچوب تشدید انزوای اقتصادی و اختلال در مسیرهای تجاری کشور بازنمایی شدند. هم‌زمان، انتشار اخباری درباره خروج ناو هواپیمابر جرج بوش از منطقه و تداوم حضور ناو جرج واشنگتن، زمینه طرح تحلیل‌هایی درباره وضعیت محاصره دریایی را فراهم کرد. در توییتر نیز مقایسه عملکرد اقتصادی دولت‌های شهید رئیسی و پزشکیان در شرایط جنگ و محاصره به یکی از محورهای مناقشه سیاسی تبدیل شد. در مجموع، این قله نشان‌دهنده تثبیت روایت محاصره چندلایه و انتقال آن از سطح تحولات نظامی به حوزه اقتصاد و معیشت عمومی بود؛ روندی که در آن، محاصره به عنوان وضعیتی مستمر و زمینه‌ساز تشدید فشارهای بعدی تصویر می‌شد.

شانزدهم مهرماه، موج اصلی محتوایی در داده‌های فضای مجازی حول اعلام محاصره هوایی عربستان از سوی انصارالله یمن شکل گرفت. ده‌ها کانال خبری، سیاسی و نظامی، گزارش‌های منتشرشده درباره محاصره هوایی عربستان را بازنشر کردند. هم‌زمانی این اخبار با گزارش‌هایی درباره توقف پروازهای شرکت هواپیمایی پاکستان به ریاض و مشروط شدن پروازهای بشردوستانه به فرودگاه ریاض به دریافت مجوز از صنعا، به تقویت روایتی انجامید که بر گسترش دامنه تقابل یمن با عربستان و تغییر موازنه فشار در منطقه تأکید داشت. در این چارچوب، اعلام محاصره هوایی از سوی انصارالله به عنوان مرحله‌ای تازه از تقابل منطقه‌ای و مکمل فشارهای پیشین دریایی بازنمایی شد. در کنار این محور، اظهارات ترامپ درباره تداوم محاصره دریایی ایران برای سه هفته آینده و تأکید او بر اینکه اقدامات و مواضع طرف مقابل مانع از وقوع جنگ نخواهد شد، بازتاب گسترده‌ای یافت. همچنین گزارش‌هایی درباره نگرانی مقام‌های دفاعی اسرائیل از میزان اثربخشی محاصره دریایی و هوایی و اظهارات یک نماینده مجلس درباره افزایش قیمت تمام‌شده کالاها، در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفت. کانال‌های اقتصادی نیز با تمرکز بر افزایش هزینه حمل کانتینر و استفاده از مسیرهای جایگزین وارداتی، پیامدهای اقتصادی تداوم محاصره دریایی ایران را برجسته کردند. در مجموع، این قله با پیوند زدن تحولات یمن-عربستان به ایران-آمریکا، به بازنمایی گسترش جغرافیای محاصره و تبدیل آن به یکی از محورهای اصلی جنگ روایت‌ها در منطقه انجامید.

هفدهم مهرماه، متمرکزترین موج محتوایی درباره احتمال آغاز محاصره زمینی ایران شکل گرفت. اظهارات اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، درباره رایزنی واشنگتن با پاکستان و ترکیه برای مسدود کردن مسیرهای زمینی ورود و خروج از ایران، به مهم‌ترین سوژه رسانه‌ای این روز تبدیل شد. این اظهارات در کانال‌های خبری، اقتصادی، معارض و سلطنت‌طلب با تیترهایی نظیر «آمریکا در تلاش برای آغاز محاصره زمینی ایران پس از محاصره هوایی و دریایی» و «محاصره همه‌جانبه نظام در راه است» باز نشر شد. در توییتر نیز هشتگ‌های مرتبط با محاصره زمینی، دریایی و هوایی مورد توجه قرار گرفتند و این تحولات در قالب تلاش آمریکا برای تکمیل حلقه فشار و قطع مسیرهای ارتباطی و تجاری ایران تفسیر شدند. به موازات این موج، سنتکام با تأکید بر ادامه محاصره دریایی تا هر زمان که لازم باشد و اعلام تغییر مسیر ۱۳۳ کشتی تجاری از زمان آغاز محاصره، به تقویت روایت تداوم فشار دریایی در کنار احتمال انسداد مسیرهای زمینی کمک کرد. هم‌زمان، تحلیلگران نزدیک به حکومت، از جمله علی قله‌کی، بر اهمیت مرز پاکستان به عنوان یکی از مسیرهای اصلی تجارت زمینی ایران تأکید کردند. همچنین کارزار موسوم به «انزوای مطلق» با محورهایی چون محدودیت پروازهای بین‌المللی، انسداد مرزهای زمینی و توقیف رمزارزها در فضای رسانه‌ای بازتاب یافت. در توییتر نیز برخی کاربران از احتمال حمله ایران به ناوهای آمریکایی برای شکستن محاصره سخن گفتند و گروهی دیگر، محاصره زمینی را عاملی برای تشدید بحران اقتصادی کشور دانستند. در مجموع، این قله با پیوند دادن اظهارات مقام‌های آمریکایی، مواضع سنتکام و تحلیل‌های رسانه‌ای، روایت محاصره سه‌لایه دریایی، هوایی و زمینی را به یکی از محورهای اصلی فضای رسانه‌ای تبدیل کرد و گمانه‌زنی درباره پیامدهای اقتصادی و امنیتی انسداد مسیرهای تجاری ایران را افزایش داد.

بخش سوم



تحلیل احساسات

(احساسات شکل گرفته در افکار عمومی)

مقایسه احساسات



شکل گرفته در افکار عمومی

نمودار رادار احساسات



در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۸ مهر، گفتگوهای پیرامون فشارهای اقتصادی آمریکا در فضای مجازی از سطح مباحث کلی درباره تحریم‌ها و محدودیت‌های صادرات نفت فراتر رفت و به دغدغه‌ای ملموس درباره آینده معیشت مردم تبدیل شد. اکنون پرسش اصلی کاربران این است که هزینه این فشارها تا کجا پیش خواهد رفت و چه برنامه‌ای برای مهار پیامدهای آن وجود دارد؟ در این میان، مسائلی همچون اختلال در مبادلات دریایی، محدودیت فروش نفت، جهش نرخ ارز و نگرانی از گرانی کالاها، در کنار انتقادات از عملکرد اقتصادی و توزیع ناعادلانه هزینه‌های بحران، به عوامل اصلی شکل‌گیری واکنش‌های منفی و نارضایتی‌ها تبدیل شده‌اند. داده‌های احساس‌سنجی نیز همین وضعیت را نشان می‌دهد. غم، خشم و انتظار سه احساس غالب‌اند. فضای روانی این دوره بیش از آنکه با هیجان مقطعی یا واکنش به یک خبر مشخص شناخته شود، تحت تاثیر فشار انباشته اقتصادی، احساس ناامنی نسبت به آینده و مطالبه تغییر در وضعیت موجود قرار دارد.

شاخص غالب در افکار عمومی این بازه، **احساس غم و ناامیدی** است که از فاصله گرفتن **هزینه‌های زندگی از درآمد خانوارها** و ترس از آینده تغذیه می‌شود. این احساس از سه مجرا تحریک و تشدید می‌شود: نخست، **شوک روانی نزدیک شدن دلار به مرز ۲۷۰ هزار تومان** که برای مردم نه یک نوسان اقتصادی، بلکه **نماد بی‌ثباتی و از دست رفتن امنیت معیشتی** است؛ افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف نیز در نگاه کاربران، به معنای دشوارتر شدن تامین نیازهای روزمره و بن‌بست در برنامه‌ریزی برای آینده است. در کنار این شوک، **هراس از انسداد شریان‌های ارزی** بر اثر محدودیت‌های دریایی و فشار بر صادرات نفت به دغدغه‌ای فراگیر تبدیل شده است؛ تحولاتی که افکار عمومی آن را به معنای بسته شدن راه‌های تامین ارز و قطعی‌تر شدن تورم آینده می‌داند. عامل سوم که این غم را به خشم بدل می‌کند، **احساس عمیق نابرابری و بی‌عدالتی** است؛ تقابل واردات کالاهای لوکس با کمبود دارو و سوءاستفاده برخی سرمایه‌داران از شرایط بحرانی، حس تبعیض و رهاشدگی را در میان بخشی از کاربران جریحه‌دار کرده است. اگرچه ریشه این احساسات، تجربه مستقیم و فشار سنگین معیشت بر سفره مردم است و نمی‌توان آن را صرفاً محصول عملیات رسانه‌ای دانست، اما **رسانه‌های معارض** با برجسته‌سازی هوشمندانه این نابرابری‌ها، در حال تبدیل این نگرانی معیشتی به احساس «**بن‌بست مطلق**» و ناکارآمدی کل ساختار نظام هستند.

خشم دومین احساس غالب است. تفاوت این احساس با غم در آن است که غم بیشتر بر تجربه فشار و کاهش توان اقتصادی متمرکز می‌شود، اما خشم به جست‌وجوی عامل مسئول و مطالبه پاسخ می‌انجامد. در سطح خارجی، **تشدید محدودیت‌های نفتی و دریایی آمریکا** یکی از مهم‌ترین محرک‌های این خشم است. **وزارت خزانهداری آمریکا ۱۶ مهر، تحریم‌های تازه‌ای علیه افراد، شبکه‌ها و ۱۷ شناور مرتبط با انتقال نفت ایران** اعلام کرد. این اقدام در ادامه سیاست فشار بر شبکه صادرات نفت صورت گرفت و به تقویت این برداشت در بخشی از فضای مجازی انجامید که واشنگتن درصدد محدود کردن منابع درآمدی ایران و افزایش هزینه اداره اقتصاد کشور است. با این حال، خشم کاربران تنها متوجه آمریکا نیست. بخش دیگری از واکنش‌ها به **عملکرد اقتصادی و مدیریتی داخل کشور** مربوط می‌شود. در این نگاه، تحریم و محدودیت خارجی واقعیتی موثر است، اما شدت آثار آن به کیفیت سیاست‌گذاری، کنترل بازار، مقابله با رانت و نحوه تخصیص منابع نیز بستگی دارد. به همین دلیل، انتقاد از مسئولان اقتصادی، مطالبه شفافیت درباره ذخایر و درآمدهای ارزی و اعتراض به افزایش قیمت‌ها در کنار محکومیت فشار آمریکا مطرح می‌شود. یکی از محورهای مهم، ادعای بهره‌مندی گروه‌هایی از شرایط بحرانی است. کاربران در موضوعاتی مانند واردات کالاهای غیرضروری، احتکار و سودجویی از نوسان قیمت‌ها، این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا هزینه مقابله با فشار خارجی عمدتاً بر دوش مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عادی قرار می‌گیرد. در همین زمینه، جریان‌های معاند تلاش کردند با کنار هم قرار دادن اخبار گرانی‌ها و ادعاهای اثبات‌نشده درباره فساد یا اختلاف در سطوح مدیریتی، خشم را به سمت نفی کلی توان کشور برای مدیریت بحران هدایت کنند.

انتظار سومین احساس برجسته است. کاربران منتظر روشن شدن مسیر مقابله با محدودیت‌های اقتصادی، مشاهده آثار اقدامات اعلام‌شده و دریافت پاسخ مشخص درباره آینده بازارها هستند. یکی از متغیرهای اصلی این انتظار، وضعیت **تنگه هرمز** و دشوار شدن تردهای دریایی پس از آغاز جنگ است. در این میان، **مطالبه اقدام متقابل** در بخشی از دیدگاه‌های کاربران دیده می‌شود. پیشنهادهایی مانند تشدید فشار بر منافع آمریکا در منطقه یا استفاده حداکثری از موقعیت راهبردی تنگه هرمز، بیانگر آن است که بخشی از کاربران خواهان پاسخی متناسب با فشارهای واردشده هستند.

سایر احساسات

در این بازه، **اعتماد و شادی** در سطحی پایین‌تر از سه احساس اصلی قرار دارند. پایین بودن اعتماد را می‌توان نشانه **شکندگی اطمینان به روند مدیریت شرایط و اثربخشی وعده‌ها** دانست؛ با این حال، این شاخص به‌تنهایی اثبات‌کننده بی‌اعتمادی مطلق به همه نهادها یا سیاست‌ها نیست. **امید** پایین‌ترین سطح را در میان احساسات معنادار دارد. این وضعیت نشان می‌دهد که روایت‌های امیدوارکننده، بدون ارائه **نشانه‌های قابل سنجش از کنترل بازار، کاهش فشار معیشتی یا گشایش در مبادلات**، با دشواری در جلب همراهی روبه‌رو هستند. **ترس، نفرت و تعجب** سهم بسیار اندکی دارند. در این بازه واکنش غالب بیشتر به شکل **غم و خشم** بروز کرده تا هراس آشکار یا شگفتی مقطعی. البته پایین بودن میزان **ترس** به معنای نبود نگرانی درباره آینده نیست؛ بخشی از این نگرانی در قالب **غم و انتظار** ظاهر شده است.

سناریوی محتمل افکار عمومی

در کوتاه‌مدت، در صورت تداوم **محدودیت‌های نفتی و دریایی** و باقی ماندن نرخ ارز در محدوده ۲۷۰ هزار تومان، **غم معیشتی** احتمالاً همچنان احساس غالب خواهد بود و **خشم** در واکنش به اخبار گرانی، رانت و تصمیم‌های اقتصادی افزایش یا کاهش مقطعی خواهد داشت. هم‌زمان، **انتظار برای اقدام موثر در برابر فشار آمریکا** و روشن شدن وضعیت تردد در **تنگه هرمز** ادامه می‌یابد. نقطه تعیین‌کننده، نه صرفاً انتشار خبرهای مربوط به مقاومت در برابر تحریم، بلکه **مشاهده آثار ملموس سیاست‌ها بر زندگی مردم** است. اطلاع‌رسانی دقیق درباره **درآمدهای نفتی، محدودیت‌های واقعی تجارت، برنامه کنترل بازار و برخورد با سوءاستفاده‌های اقتصادی** می‌تواند بخشی از بی‌اعتمادی را مهار کند. در مقابل، **وعده‌های بدون نتیجه، نادیده گرفتن نقدهای معیشتی یا تصمیم همه اعتراض‌ها به فضا سازی معاندان، زمینه تشدید خشم و فرسایش بیشتر امید را فراهم می‌کند.**

جریان شناسی

بخش چهارم

طرح محاصره زمینی ایران و تلاش آمریکا برای تکمیل حلقه فشارهای اقتصادی

جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصولگرا	۱.مقابله با راهبرد «انزوای کامل اقتصادی» آمریکا و تأکید بر ضرورت حفظ مسیرهای تجاری و ارتباطی کشور در برابر فشار خارجی ۲.برجسته سازی اظهارات اسکات بسنت درباره محدود کردن مسیرهای زمینی ایران و رایزنی با کشورهای همسایه؛ تفسیر این رویکرد به عنوان تلاش برای تکمیل محاصره دریایی و هوایی ۳.تأکید بر ضرورت آمادگی اقتصادی و لجستیکی، استفاده از ظرفیت مرزهای زمینی و مسیرهای جایگزین و جلوگیری از تبدیل فشار خارجی به اختلال گسترده در تأمین کالاهای اساسی	حمایتی	۳۵%
اصلاح طلب	۱.نگرانی از محدود شدن تجارت زمینی پس از اختلال در مسیرهای دریایی و افزایش وابستگی واردات و صادرات به گذرگاه های محدود منطقه ای ۲.انتقاد از نبود اطمینان درباره میزان آمادگی کشور برای مواجهه با محدودیت های هم زمان در حمل و نقل، تجارت و مبادلات مالی ۳.تأکید بر ضرورت روشن شدن برنامه دولت برای حفظ جریان ورود کالاهای اساسی	انتقادی	۲۵%
معاند	۱.پیوند دادن محاصره دریایی و احتمال محدودیت زمینی با روایت ناتوانی ساختار جمهوری اسلامی در حفظ مسیرهای تجارت و تأمین منابع مالی ۲.بازنمایی اظهارات بسنت درباره بستن مسیرهای زمینی به عنوان حرکت آمریکا به سمت انزوای کامل اقتصادی ایران ۳.برجسته سازی صف های کامیون ها در مرز ترکیه و تأخیرهای حمل و نقل زمینی به عنوان نشانه محدود شدن ظرفیت های جایگزین تجارت	تخریبی	۴۰%

تداوم محاصره دریایی و انتقاد از ناکامی در مقابله با محدودیت‌های تجاری و لجستیکی

جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصولگرا	۱. انتقاد از تداوم محدودیت‌های دریایی و ضرورت ارائه پاسخ مؤثرتر برای کاهش آثار اقتصادی و لجستیکی محاصره ۲. برجسته‌سازی آمار سنتکام درباره تغییر مسیر ۱۳۳ کشتی تجاری تا ۹ اکتبر؛ استفاده از این رقم به عنوان نشانه تداوم فشار بر تجارت دریایی ایران و مطالبه توضیح درباره اقدامات مقابله‌ای ۳. انتقاد از نبود هماهنگی کافی میان اقدامات اعلام‌شده در تنگه هرمز و تدابیر لازم برای خنثی‌سازی محاصره دریایی	انتقادی	۳۵٪
اصلاح طلب	۱. نگرانی از کاهش درآمدهای صادراتی، اختلال در تأمین ارز و افزایش هزینه واردات در نتیجه تداوم محدودیت‌های دریایی ۲. انتقاد از ابهام در ارزیابی میزان موفقیت اقدامات مقابله‌ای و مطالبه شفاف‌سازی درباره وضعیت صادرات نفت، پتروشیمی و ورود کالاهای اساسی ۳. تأکید بر هزینه‌های اقتصادی ادامه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و ضرورت پیوند دادن اقدامات دیپلماتیک با برنامه‌ای روشن برای کاهش فشار بر تجارت و معیشت	انتقادی	۳۵٪
معاند	۱. بازنمایی تغییر مسیر کشتی‌ها به عنوان نشانه موفقیت محاصره آمریکا و محدود شدن توان صادراتی ایران ۲. استفاده از روایت «بستن تنگه هرمز بدون دستاورد اقتصادی» برای القای شکست راهبردی؛ تکرار ادعاهایی درباره محقق نشدن نفت ۲۰۰ دلاری و درآمدهای پیش‌بینی‌شده از عوارض عبور ۳. پیوند دادن محاصره دریایی با تحریم شبکه‌های مالی و تهدید دارایی‌های رمزارزی ایران	تخریبی	۳۰٪

تشدید فشارهای معیشتی و انتقاد از مدیریت اقتصادی و نحوه مواجهه دولت

جریان سیاسی	ریز مسئله	رویکرد	مشارکت
اصولگرا	۱. انتقاد از ضعف برنامه‌ریزی اقتصادی و نبود اطمینان درباره تأمین بنزین، کالاهای اساسی و مواد اولیه صنایع ۲. پیوند دادن محاصره و کاهش درآمدهای ارزی با افزایش هزینه زندگی، تورم و دشوارتر شدن تأمین نیازهای روزمره ۳. مطالبه شفافیت از دولت و بانک مرکزی درباره منابع ارزی، وضعیت درآمدهای صادراتی و برنامه جلوگیری از جهش بیشتر قیمت‌ها	انتقادی	۳۵٪
اصلاح طلب	۱. بازنمایی گرانی، کاهش ارزش پول ملی و نگرانی از کمبود کالا به عنوان نشانه ناتوانی کلی نظام در مدیریت بحران اقتصادی ۲. استفاده از عبارتهایی نظیر «محاصره سه‌گانه» و «نه جنگ، نه صلح» برای القای غیرقابل تحمل شدن شرایط و تداوم بن بست سیاسی و اقتصادی ۳. پیوند دادن افزایش نرخ ارز، اختلال در صادرات نفت و پتروشیمی، تهدید دارایی‌های رمزارزی و انتقاد از عملکرد دولت با روایت فروپاشی اقتصادی	انتقادی	۳۰٪
معاند	۱. انتقاد از ضعف برنامه‌ریزی اقتصادی و نبود اطمینان درباره تأمین بنزین، کالاهای اساسی و مواد اولیه صنایع ۲. پیوند دادن محاصره و کاهش درآمدهای ارزی با افزایش هزینه زندگی، تورم و دشوارتر شدن تأمین نیازهای روزمره ۳. مطالبه شفافیت از دولت و بانک مرکزی درباره منابع ارزی، وضعیت درآمدهای صادراتی و برنامه جلوگیری از جهش بیشتر قیمت‌ها	حمایتی	۳۵٪

تحليل شایعات و اخبار جعلی

بخش پنجم

شایعه

**کاهش شدید ذخایر کالاهای
راهبردی به علت اتمام ذخایر
ارزی**

**اولتیماتوم نهایی آمریکا به
چین برای قطع خرید نفت
ایران**

**قطع قریب الوقوع یارانه نقدی
به علت اتمام ذخایر ارزی**

توضیحات

پیوند دادن محدودیت‌های ارزی کشور با ادعای کاهش شدید ذخایر کالاهای راهبردی، در حالی مطرح می‌شود که آمار مستندی از میزان افت این ذخایر ارائه نشده است. غلامرضا نوری، وزیر جهاد کشاورزی، در اظهاراتی اعلام کرد ذخایر راهبردی کشور با وجود تحریم‌ها و فشارهای ناشی از جنگ افزایش یافته و واردات کالاهای اساسی طبق برنامه ادامه دارد. او همچنین از وجود بیش از یک میلیون تن کالای اساسی آماده توزیع در بخش خصوصی خبر داد. در مقابل، دستور مسعود پزشکیان برای رفع فوری موانع واردات کالاهای اساسی و تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین، نشان می‌دهد دولت با چالش‌های زنجیره تأمین و ضرورت پیش‌بینی مسیرهای جایگزین روبه‌روست، اما این اقدامات به خودی خود اثبات‌کننده کاهش شدید ذخایر نیستند. از سوی دیگر، رئیس کل بانک مرکزی در شهریور از تأمین ارز موردنیاز واردات کالاهای اساسی و آمادگی برای عرضه ارز به بازار خبر داده بود

در فضای مجازی بازنشر ادعای اولتیماتوم نهایی آمریکا به چین برای قطع خرید نفت ایران، هشدار واشنگتن درباره تحریم ثانویه را به تصمیم قطعی و ضرب‌الاجل‌دار تبدیل کرده است. در گزارش رویترز آمده که آمریکا از کشورهای خریدار نفت ایران خواسته روابط تجاری با تهران را محدود کنند، اما تاکنون از تحریم بانک‌های چینی خودداری کرده و اقدام آن محدود به تحریم برخی نهادهای کوچک مرتبط با خرید یا تسهیل حمل نفت ایران بوده است. در گزارش‌های منتشرشده در مهر ۱۴۰۵ نیز کاهش خرید پالایشگاه‌های مستقل چینی از ایران و افزایش خرید نفت عراق و قطر گزارش شده، اما هیچ سند یا اظهارنظر رسمی درباره صدور اولتیماتوم نهایی و ضرب‌الاجل برای توقف کامل خرید نفت ایران منتشر نشده است. بنابراین، این ادعا از حد فشار و تهدید تحریمی فراتر رفته و در وضعیت بزرگ‌نمایی و اثبات‌نشده قرار دارد

هم‌زمان با افزایش نوسانات ارزی و انتشار روایت‌هایی درباره تشدید محدودیت منابع مالی دولت، ادعای قطع قریب‌الوقوع یارانه نقدی به دلیل پایان یافتن ذخایر ارزی کشور مطرح شده است. با این حال، بررسی اخبار و مواضع رسمی، شواهدی مبنی بر تصمیم قطعی دولت برای توقف پرداخت یارانه نقدی به این علت نشان نمی‌دهد. در همین زمینه، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، اول شهریور اعلام کرده بود که کشور با وجود فشار تحریم‌ها از منابع ارزی برخوردار است و بانک مرکزی برای مدیریت بازار امکان عرضه تا دو میلیارد دلار ارز را دارد. همچنین در نشست هماهنگی اقتصادی دولت در ۱۲ مهر، موضوع مدیریت منابع مالی، درآمدهای نفتی و مالیاتی و تأمین نیازهای ضروری کشور بررسی شد. این شواهد دشواری شرایط اقتصادی و ضرورت مدیریت منابع را نفی نمی‌کند، اما نه اتمام ذخایر ارزی را اثبات می‌کند و نه به‌تنهایی دلیلی بر توقف یارانه نقدی است. بنابراین، پیوند دادن احتمال قطع یارانه‌ها با پایان ذخایر ارزی، بدون اعلام رسمی یا مستندات روشن درباره تصمیم دولت، در حد ادعایی تأییدنشده باقی می‌ماند

اهداف القایی

ناتوانی دولت در تأمین کالاهای اساسی، ایجاد نگرانی درباره کمبود قریب‌الوقوع اقلام ضروری و تشویق برداشت عمومی از پیوند قطعی میان **فشار ارزی و بحران فراگیر تأمین کالا و بروز قحطی**

قطع کامل مسیر صادرات نفتی ایران، نمایش انزوای اقتصادی تهران در **بازار جهانی انرژی و تقویت روایت فروپاشی درآمدهای ارزی دولت**

ایجاد نگرانی درباره تداوم حمایت‌های معیشتی دولت، القای ورشکستگی مالی و اتمام منابع کشور، تشدید نارضایتی عمومی از طریق **پیوند زدن نوسانات ارزی به حذف حمایت‌های نقدی خانوارها**

شایعه

**مسدودسازی تمامی
حساب‌های شرکت‌های ایرانی
در بانک‌های همسایه و
صفرشدن ذخایر ارزی تا دو ماه
آینده**

**از دست رفتن کامل کنترل
ایران بر تنگه هرمز**

توضیحات

این ادعا با بزرگ‌نمایی محدودیت‌های واقعی ناشی از تحریم‌های ثانویه آمریکا، به یک پیش‌بینی قطعی درباره صفرشدن ذخایر ارزی ایران تبدیل شده است. آنچه در گزارش‌های منتشرشده تأیید می‌شود، مسدودسازی دارایی‌های شرکت‌های تحریم‌شده در آمریکا یا در اختیار اشخاص آمریکایی و ریسک تحریم ثانویه برای بانک‌های خارجی است، نه صدور دستور عمومی برای بستن تمامی حساب‌های شرکت‌های ایرانی در بانک‌های مرکزی کشورهای همسایه. در همین زمینه، بانک مرکزی امارات اقدامات نظارتی علیه شعب بانک ملی ایران در این کشور را اعلام کرده، اما این اقدام درباره یک بانک مشخص است و سند مستقلی برای تعمیم آن به تمامی بانک‌های همسایه و تمامی شرکت‌های ایرانی وجود ندارد. عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، نیز ادعای اتمام ذخایر ارزی کشور را صریحاً رد کرده و گفته: آنها درباره ارز هم می‌گویند ارز ایران تمام شده است، اما خبر این‌گونه نیست

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در اظهاراتی مدعی شد ایران کنترل تنگه هرمز را به‌طور کامل از دست داده و حجم نفت عبوری از این مسیر تقریباً به سطح پیش از جنگ بازگشته است. این ادعا در حالی مطرح شده که مقام‌های ایرانی موضع متفاوتی دارند. محمدرضا نقدی، مشاور فرمانده کل سپاه، از کنترل کامل ایران بر تنگه سخن گفته و تأکید کرده است محدودیت‌های اعمال‌شده بر مسیرهای دریایی موردنظر تهران ادامه خواهد داشت. همچنین گزارش ۷ اکتبر به نقل از یک مقام ایرانی، از برنامه ایران برای مسدود کردن مسیرهایی خبر داد که آن‌ها را غیرقانونی می‌داند. از سوی دیگر، گزارش‌های رسانه‌ای از افزایش مقطعی جریان صادرات نفت منطقه در سپتامبر حکایت دارند. همچنین روبیو نیز برای ادعای خود آمار روزانه عبور کشتی‌ها و حجم دقیق نفت عبوری را ارائه نکرده است. بنابراین، توصیف وضعیت به‌عنوان از دست رفتن کامل کنترل ایران، ارزیابی مقام آمریکایی است و نه نتیجه‌ای قطعی که شواهد منتشرشده به‌تنهایی آن را اثبات کند

اهداف القایی

فروپاشی قریب‌الوقوع نظام مالی ایران، ایجاد هراس از بسته‌شدن راه تنفس ارزی، تقویت انتظارات تورمی و نااطمینانی در **بازار ارز، و بزرگ‌نمایی اثر تحریم‌ها به‌عنوان عامل قطعی اتمام ذخایر ارزی**

ناکارآمدی توان بازدارندگی و کنترل دریایی ایران، بازنمایی اظهارات و اقدامات آمریکا به‌عنوان عامل تغییر موازنه در **تنگه هرمز، تضعیف جایگاه راهبردی ایران در معادلات امنیت انرژی منطقه**



مخاطبان گرامی
می‌توانند در صورت
تمایل برای عضویت در
گروه اتاق رصد فضای
مجازی صداوسیما در
پیام‌رسان بله به
شماره **۰۹۱۳۷۷۶۰۷۵۵**
درخواست عضویت
دهند.

گروه اتاق رصد برای مخاطبان گرامی این امکان را فراهم نموده تا در سریع‌ترین زمان ممکن دسترسی دقیق و جامع به رصد مسائل اقتضائی، فعالیت جریان‌ات سیاسی و خروجی‌های گزارشات محتوایی اتاق وضعیت معاونت فضای مجازی را داشته باشند.

کانال‌های اتاق رصد فضای مجازی



لینک ورود
اقتصادنگار



لینک ورود
هوش نگار



لینک ورود
اندیشه‌نامه



لینک ورود
روایت اول



لینک ورود
رصد شایعات



لینک ورود
مثبت‌نما



لینک ورود
بازتاب tv



لینک ورود
رصد tv



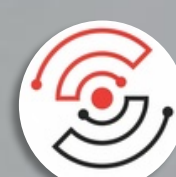
لینک ورود
چهارنما



لینک ورود
رصد تحولات فلسطین



لینک ورود
رصد فوری



لینک ورود
ترندنگار